

رابطه تیپ‌های پر خاشگری بر پایه نظریه کارن هورنای با رفتارهای منفی و مثبت رانندگی و رخداد سوانح

سیدعباس حقایق^۱، دکتر حمیدرضا عربی^۲

Relation of Aggression Types according to Karen Horney's Theory with Negative and Positive Driving Behaviors and Accidents

Sayyed Abbas Haghayegh¹, Hamid Reza Oreyzi²

Abstract

Objectives: The purpose of the current research was to investigate the relation of varieties of personality aggression types according to Karen Horney's theory (Malevolence, Power, and Strength) with negative (errors and violations) and positive driving behaviors and frequency of accidents. **Method:** For this purpose, 263 volunteer drivers with generalized driving license (base two) were selected. The subjects completed Negative and Positive Driving Behavior Questionnaire (NPDBQ) and Horney-Coolidge Tridimensional Inventory (HCTI). They were also asked to indicate the number of accidents in which they had been faulty in the last 5 years. **Results:** Results of multiple regression analysis and correlation matrix showed that all three kinds of aggressions had positive and significant correlation with violations and errors and negative and significant correlation with positive driving behaviors ($p < 0.05$). There was a negative and significant correlation between aggressions and driving behaviors. There was no significant correlation between the aggressions and the frequency of accidents. However, gender had a significant relation with frequency of accidents. **Conclusion:** Different types of aggressions, regarding gender, have important role in prediction of driving behaviors and accidents.

Key words: aggression; behavior; accident

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، بررسی رابطه انواع پر خاشگری شخصیتی در نظریه کارن هورنای (بدخواهانه، قدرت خواهانه و مخاطره جویانه) با رفتارهای منفی (خطاها و تخلف‌ها) و مثبت رانندگی و شمار سوانح بود. **روش:** برای این منظور، ۲۶۳ نفر راننده که دارای گواهینامه پایه دوم همگانی و داوطلب شرکت در پژوهش بودند، انتخاب شده و از آنها خواسته شد به پرسش‌نامه رفتارهای رانندگی منفی و مثبت (NPDBQ) و پرسش‌نامه سه بعدی هورنای-کولیدج (HCTI) پاسخ دهند. هم‌چنین از آنها پرسیده شد که در پنج سال گذشته چندبار دچار سانحه رانندگی (که خود آنها مقصر بوده‌اند) شده‌اند. **یافته‌ها:** تحلیل رگرسیون چندگانه و ماتریس همبستگی نشان داد که هر سه نوع پر خاشگری با تخلف‌ها و خطاهای رانندگی رابطه مثبت و معنی‌دار و با رفتارهای مثبت رانندگی رابطه منفی معنی‌داری دارند ($p < 0.05$). بین سه نوع پر خاشگری با شمار سوانح رفتارهای رانندگی رابطه معنی‌داری به‌دست نیامد، ولی جنسیت با شمار سوانح همبستگی داشت ($p < 0.05$). **نتیجه‌گیری:** پر خاشگری، با توجه به نقش متغیر جنسیت، عامل مهمی در پیش‌بینی رفتارهای رانندگی و سوانح است.

کلیدواژه: پر خاشگری؛ کارن هورنای؛ رفتار منفی و مثبت رانندگی؛ سوانح

[Received: 8 December 2007; Accepted: 15 May 2008]

[دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۹/۱۷؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۲/۲۶]

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی، دورنگار: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷ (نویسنده مسئول). E-mail: abbas_haghayegh@yahoo.com; ^۲ دکترای روانشناسی، استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه اصفهان.

* Corresponding author: Master's degree Student in Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran, IR. Fax: +98311-6683107. E-mail: abbas_haghayegh@yahoo.com; ³ PhD. in Psychology, Assistant Prof. of Isfahan University.

مقدمه

باور دارد که در آن افراد باید بدون در نظر گرفتن محدودیت‌ها و با بی‌پروایی، تنها در اندیشه نجات خود باشند (همان‌جا). با توجه به افزایش رفتارهای رانندگی پرخاشگرانه در جاده‌ها (پاک‌گوهر، ۱۳۸۶؛ گراس^{۳۸} و همکاران، ۲۰۰۶)، این پژوهش، با هدف بررسی رابطه میان این سه گونه پرخاشگری با رفتارهای منفی (خطاها و تخلف‌ها) و مثبت رانندگی و شمار سوانح انجام شد.

روش

جامعه آماری پژوهش، همه رانندگان شهر اصفهان (دارای گواهینامه پایه دوم همگانی) بودند. ۲۶۳ نفر راننده که داوطلب شرکت در پژوهش بودند و از وسیله نقلیه خود به‌طور مرتب استفاده می‌کردند، در پارکینگ‌های عمومی و فضاهای سبز سطح شهر از آنها خواسته شد به پرسش‌نامه‌های مربوطه پاسخ دهند. برای تعیین شمار سوانح از آنها پرسیده شد که در پنج سال گذشته زمانی که خود راننده بوده‌اند، چند بار دچار تصادف یا سانحه رانندگی شده‌اند که در آن مقصر بوده‌اند. میانگین سنی رانندگان $37/29 \pm 12/69$ سال و میانگین سال‌های رانندگی $14/26 \pm 7/29$ بود.

برای گردآوری داده‌های پژوهش ابزارهای زیر به کار برده شد:

پرسش‌نامه رفتارهای رانندگی مثبت و منفی^{۳۹} (NPDBQ):

این پرسش‌نامه را از کان و لاجونن (۲۰۰۵) ساخته‌اند. ضرایب همسانی درونی آن برای تخلفات برابر با $0/86$ ، خطاها برابر با $0/79$ و رفتارهای مثبت برابر $0/86$ بود. بین رفتارهای مثبت با تخلفات و خطاهای رانندگی، به ترتیب ضرایب همبستگی

درباره رفتار رانندگی^۱، مؤلفه‌های روان‌شناختی آن و نقش آن در حفظ ایمنی جاده‌ها پژوهش‌های زیادی انجام شده است (التدال^۲ و رندمو^۳، ۲۰۰۶؛ ازکان^۴ و لاجونن^۵، ۲۰۰۵). رفتارهای رانندگی با توجه به علل و پیامدهای آن در دو دسته رفتارهای منفی^۶ و مثبت^۷ جای داده می‌شوند (ازکان و لاجونن، ۲۰۰۵). رفتارهای منفی رانندگی، دربرگیرنده دو گروه خطاها^۸ و تخلف‌ها^۹ هستند (لاجونن، پارکر^{۱۰} و سومالا^{۱۱}، ۲۰۰۴؛ ریسن^{۱۲}، ناستد^{۱۳}، استرودلینگ^{۱۴}، بایتر^{۱۵} و کائومپیل^{۱۶}، ۱۹۹۰). پژوهش‌های چندی بر لزوم این تمایز در رفتارهای منفی رانندگی در کشورهای گوناگون تأکید کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به بررسی‌های نیونام^{۱۷}، واتسون^{۱۸} و مورای^{۱۹} (۲۰۰۴) در استرالیا، ایکسی^{۲۰} و پارکر (۲۰۰۲) در چین، سومر^{۲۱} و ازکان (۲۰۰۲) در ترکیه و بیانچی^{۲۲} و سومالا (۲۰۰۴) در فنلاند اشاره نمود. خطاها ناتوانی افراد در انجام کنش‌های مورد نظر و برای دستیابی به هدف‌های معین دانسته شده‌اند، در حالی که تخلف‌ها به رعایت نکردن مقررات رانندگی گفته می‌شود؛ مانند سرعت غیرمجاز (ریسن و همکاران، ۱۹۹۰؛ ازکان و همکاران، ۲۰۰۶). ازکان و لاجونن (۲۰۰۵) مبحث تازه‌ای به نام رفتارهای مثبت رانندگی مطرح کردند و سوگیری نوینی در پژوهش‌های رفتار رانندگی پدید آوردند. رفتارهای مثبت، بیشتر در کمک‌کردن، گذشت و حفظ ادب اجتماعی رانندگان نسبت به یکدیگر تعریف می‌شود (همان‌جا).

در نظریه کارن هورنای^{۲۳}، فرد برای رویارویی با اضطراب اساسی^{۲۴} از سه گونه گرایش رفتاری و ادراکی ویژه بهره می‌گیرد که از آنها با عنوان‌های تیپ‌های شخصیتی همراه^{۲۵}، پرخاشگرانه^{۲۶} و گسسته^{۲۷} نام برده می‌شود (کولچ^{۲۸}، مور^{۲۹}، یامازاکی^{۳۰}، استورات^{۳۱} و سگال^{۳۲}، ۲۰۰۱؛ شاتز^{۳۳}، ۲۰۰۴؛ شولتز^{۳۴} و شولتز، ۱۳۸۵). در این پژوهش، تیپ پرخاشگرانه بررسی شده است.

کولچ (۲۰۰۲) پس از یک رشته بررسی‌های گسترده بر پایه نظریه کارن هورنای، تیپ پرخاشگری را به سه گونه پرخاشگری بدخواهانه^{۳۵}، قدرت‌خواهانه^{۳۶} و مخاطره‌جویانه^{۳۷} تقسیم‌بندی کرده است. در گونه بدخواهانه، دیگران غیرقابل اعتماد و بدنیت دانسته می‌شوند و باید آنان را از رسیدن به خواسته‌هایشان بازداشت. نوع قدرت‌طلبانه، تمایل به کنترل دیگران و ابراز قدرت دارد. نوع مخاطره‌جویانه، به تنازع بقا

1- driving behavior	2- Oltedal
3- Rundmo	4- Ozkan
5- Lajunen	6- negative behaviors
7- positive behaviors	8- errors
9- violations	10- Parker
11- Summala	12- Reason
13- Nanstead	14- Strodling
15- Bayter	16- Caompbell
17- Newnam	18- Watson
19- Murray	20- Xie
21- Summer	22- Bianchi
23- Karen Horney	24- basic anxiety
25- compliant	26- aggressive
27- detached	28- Coolidge
29- Moore	30- Yamazaki
31- Stewart	32- Segal
33- Shatz	34- Shooltz
35- malevolence aggression	36- power aggression
37- strenght aggression	38- Gras
39- Negative-Positive Driving Behavior Questionnaire	

نتایج پایایی (همسانی درونی، بازآزمایی) فرم ترجمه شده که در این پژوهش به کار برده شده، در **جدول ۱** آمده است. داده‌های گردآوری شده به کمک روش‌های ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شدند.

یافته‌ها

در **جدول ۱**، میانگین، انحراف معیار، پایایی بازآزمایی و همسانی درونی متغیرهای پژوهش آورده شده است. در **جدول ۲**، همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش در چارچوب یک ماتریس همبستگی آورده شده است. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در بررسی روابط میان متغیرهای پیش‌بین و ملاک در **جدول‌های ۳ و ۴** آورده شده است. یافته‌های مربوط به روابط معنی‌دار در جدول‌ها آورده شده‌اند.

منفی و معنی‌دار ۰/۳۱ و ۰/۴۶ به دست آمده است (همان‌جا). این پرسش‌نامه را عریضی و حقایق (۱۳۸۶) ترجمه و اعتباریابی نموده‌اند. یافته‌های مربوط به پایایی درونی و بازآزمایی این پرسش‌نامه در بررسی حاضر در **جدول ۱** آمده است.

پرسش‌نامه سه‌بعدی هورنای-کولیدج^۱ (HCTI): این پرسش‌نامه دارای ۵۷ پرسش است که سه بعد شخصیتی نظریه کارن هورنای (همراه، پرخاشگر و گسسته) را می‌سنجد. نتایج تحلیل عاملی بر روی پرسش‌های تیپ شخصیتی پرخاشگر، سه عامل پرخاشگری قدرت‌خواهانه، بدخواهانه و مخاطره‌جویانه را از هم جدا کرده است (کولیدج و همکاران، ۲۰۰۱؛ کولیدج، ۲۰۰۲). روایی هم‌زمان آن با پرسش‌نامه پرخاشگری باس-پری (محمدی، ۱۳۸۵) برابر با ۰/۵۳ بود.

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار و پایایی بازآزمایی و درونی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین (n=۲۶۲)	انحراف معیار (n=۲۶۳)	پایایی بازآزمایی (n=۴۰)	پایایی درونی (n=۴۰)
رفتارهای منفی	۲۶/۴۷	۱۳/۶۷	۰/۷۶*	۰/۷۵
تخلقات	۲۸/۶۵	۱۲/۰۹	۰/۷۳*	۰/۷۱
رفتارهای مثبت	۵۶/۳۷	۱۸/۷۳	۰/۷۳*	۰/۷۴
انواع پرخاشگری شخصیتی	۲۱/۳۱	۴/۹۶	۰/۷۹*	۰/۸۱
قدرت‌خواهانه	۱۱/۴۲	۲/۱۷	۰/۷۸*	۰/۷۷
مخاطره‌جویانه	۱۵/۹۳	۳/۲۲	۰/۶۹*	۰/۷۲

* p<۰/۰۵

جدول ۲- ضریب‌های همبستگی درونی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تخلقات	خطاها	رفتارهای مثبت	پر خاشگری بدخواهانه	پر خاشگری قدرت‌خواهانه	پر خاشگری مخاطره‌جویانه	شمار سوانح
جنسیت	۰/۲۷*	۰/۰۵	-۰/۰۷	۰/۱۱	-۰/۰۹	-۰/۲۶*	-۰/۴۷*
تخلقات	۰/۴۸*	-۰/۴۲*	۰/۳۷*	۰/۳۴*	۰/۴۹*	۰/۱۷*	
خطاها	-۰/۲۷*	۰/۲۹*	-۰/۳۱*	۰/۲۷*	۰/۲۶*	۰/۰۹	
رفتارهای مثبت			۰/۳۱*	-۰/۳۴*	-۰/۳۸*	۰/۱۴	
پر خاشگری بدخواهانه				۰/۳۱*	۰/۲۹*	۰/۱۲	
پر خاشگری قدرت‌خواهانه					۰/۲۶*	۰/۰۹	
پر خاشگری مخاطره‌جویانه						۰/۰۴	

* p<۰/۰۵

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در پیش‌بینی تخلفات و خطاهای رانندگی بر پایه پرخاشگری

خطاهای رانندگی				تخلفات رانندگی				
نمره t	SEb	B	b	نمره t	SEb	B	b	
۷/۶۲	۰/۱۱۷	۰/۵۴	۰/۸۹	۷/۴۱	۰/۱۲۷	۰/۶۵	۰/۹۴	پرخاشگری بدخواهانه
۵/۰۷	۰/۱۶۲	۰/۵۱	۰/۸۲	۴/۹۲	۰/۱۷۷	۰/۶۱	۰/۸۷	پرخاشگری قدرت‌خواهانه
				۶/۲۲	۰/۲۳۶	۰/۸۵	۱/۴۷	پرخاشگری مخاطره‌جویانه

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در پیش‌بینی رفتارهای مثبت رانندگی و تعداد سوانح براساس پرخاشگری، جنسیت و تخلفات

تعداد سوانح				رفتارهای مثبت رانندگی				
نمره t	SEb	B	b	نمره t	SEb	B	b	
				-۵/۶۶	۰/۲۲۴	-۰/۷۲	-۱/۲۷	پرخاشگری بدخواهانه
				-۷/۱۳	۰/۲۰۲	-۰/۸۳	-۱/۴۴	پرخاشگری قدرت‌خواهانه
				-۶/۴۲	۰/۲۱۷	-۰/۸۵	-۱/۳۹	پرخاشگری مخاطره‌جویانه
-۷/۴۶	۰/۱۲۳	-۰/۶۵	-۰/۹۲					جنسیت
۶/۴۸	۰/۱۳۴	-۰/۵۴	۰/۸۷					تخلفات

بحث

درباره پرخاشگری از دو دیدگاه شخصیتی و اجتماعی بحث شده است. در میان نظریه‌پردازان شخصیت، فروید با بیان مفاهیمی مانند غریزه مرگ و پرخاشگری همانندسازانه (که به پذیرش رفتارهای پرخاشگرانه پدر از سوی فرزند به خاطر موضع قدرت‌خواهانه پدر، تعریف می‌شود)، نقش مهمی در گسترش و پرورش این مفهوم روان‌شناختی داشته که از سوی روان‌تحلیل‌گران بعدی ادامه یافته است (پروین، ۱۳۸۱). با این حال هورنای بیش از سایر نظریه‌پردازان شخصیت به بررسی و کالبدشکافی آن پرداخته و نظریه‌پردازان دیگری مانند کولین نیز به آن پرداخته‌اند.

این بررسی بین جنسیت و خطاهای رانندگی رابطه معنی‌داری نشان نداد. در حالی که بین جنسیت و تخلفات رانندگی رابطه معنی‌داری دیده شد که با یافته‌های ریسن و همکاران (۱۹۹۰) هم‌خوانی دارد. این یافته با توجه به ماهیت خطاها و تخلفات رانندگی قابل تبیین است. همان‌گونه که ریسن و همکاران (۱۹۹۹) و لاجونن و همکاران (۲۰۰۴) اشاره کرده‌اند، در زمینه خطاها بیشتر عوامل شناختی و پردازش اطلاعات مؤثر هستند در حالی که در تخلفات بیشتر عوامل اجتماعی-انگیزشی مؤثرند و تفاوت میان دو جنس بیشتر به عامل دوم مربوط می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر بین جنسیت و نوع پرخاشگری، رابطه معنی‌دار نشان داد که با توجه به نقش عوامل زیستی و هورمونی (سطح بالاتر هورمون تستوسترون در مردان) و

فرهنگی-اجتماعی (رفتار پرخاشگرانه بیشتر یک نوع رفتار مردانه به‌شمار می‌رود)، قابل تبیین است. تیپ پرخاشگری مخاطره‌جویانه (که در آن به حقوق افراد و رعایت قوانین توجهی نمی‌شود)، بر خلاف دو تیپ پرخاشگری بدخواهانه و قدرت‌خواهانه، بیشتر از عوامل فرهنگی و موقعیتی تأثیر می‌پذیرد تا عوامل درونی. عواملی مانند تشویق رفتارهای رانندگی بی‌پروا و خلاف قوانین مانند سرعت غیرمجاز، به‌عنوان رفتارهای شجاعانه و قدرت‌مندانه از سوی اطرافیان در نظر گرفته می‌شوند. آموزش ناکافی و نبود حمایت لازم از فرهنگ رانندگی درست در رسانه‌های همگانی، رعایت نکردن قوانین رانندگی، رقابت ناسالم و رفتارهای مقابله‌جویانه را در پی دارد. روشن است که جامعه رفتار پرخاشگرانه را بیشتر یک نوع رفتار مردانه به‌شمار می‌آورد و بروز آن را از سوی زنان کمتر می‌پذیرد (ماسن، کیگان، هوستون و کانجر، ۱۳۸۲).

بر خلاف انتظار، تحلیل رگرسیون، رابطه معنی‌داری بین پرخاشگری و شمار سوانح نشان نداد. این نتایج را می‌توان با توجه به نقش تعدیل‌کننده جنسیت (متغیر سوم) تبیین کرد. همان‌گونه که پیشتر بیان شد، رفتارهای پرخاشگرانه در مردان، به دلایل زیستی و فرهنگی-اجتماعی بیشتر از زنان است. نمونه مورد بررسی در پژوهش حاضر، نمونه‌ای دربرگیرنده مردان و زنان راننده بود و پیش‌بینی شمار سوانح بر پایه پرخاشگری به تفکیک جنسیت انجام نشده بود. بنابراین متغیر جنسیت رابطه بین دو متغیر پیش‌بین (پرخاشگری) و ملاک

- style. *Accident Analysis and Prevention*, 36, 569-655.
- Coolidge, F. L. (2002). *Horney-Coolidge Tridimensional Inventory manual*. University of Colorado: Colorado Springs.
- Coolidge, F. L., Moore, C. J., Yamazaki, T. G., Stewart, S. E., & Segal, D. L. (2001). On the relationship between Karen Horney's tripartite neurotic type theory and personality disorder. *Personality and Individual Differences*, 30, 1387-1400.
- Gras, M. E., Sullman, M. J. M., Cunill, M., Planes, M., Aymerich, M., & Font-Mayolas, S. (2006). Spanish drivers and their aberrant driving behaviors. *Transportation Research*, 9, 129-137.
- Lajunen, T., Parker, D., & Summala, H. (2004). The Manchester Driver Behavior Questionnaire: A cross-cultural study. *Accident Analysis and Prevention*, 36, 231-238.
- Newnam, S., Watson, B., & Murray, W. (2004). A comparison of the factors influencing the safety of work-related drivers in work and personal vehicles. *Proceeding of the Policing and Education Conference*. Adelaide.
- Oltedal, S., & Rundmo, T. (2006). The effects of personality and gender on risky driving. *Behavior and Accident Involvement Safety Science*, 44, 621-628.
- Ozkan, T., & Lajunen, T. (2005). A new addition to DBQ: Positive Driver Behavioral Scale. *Transportation Research*, 8, 355-368.
- Ozkan, T., Lajunen, T., & Summala, H. (2006). Driver behavior questionnaire a follow-up study. *Accident Analysis and Prevention*, 35, 386-395.
- Reason, J. T., Nanstead, A., Strodling, S., Bayter, J., & Caompbell, K. (1990). Errors and violations: A real distinction. *Ergonomics*, 33, 1315-1332.
- Reason, J. T. (1999). *Managing the risks of organizational accidents*. Aldershot: Ashgate Publishing Company.
- Shatz, S. M. (2004). The relationship between Horney's three neurotic types and Eysenck's PEN model of personality. *Personality and Individual Differences*, 37, 1255-1261.
- Sumer, N., & Ozkan, T. (2002). The role of drive behavior, skills and personality traits in traffic accidents. *Turkish Journal of Psychology*, 17, 1-22.
- Xie, C. Q., & Parker, D. (2002). A social psychological approach to driving violation in two Chinese cities. *Transportation Research*, 5, 293-308.

(سوانح) را تعدیل کرده است. هم‌چنین بین هر سه نوع پرخاشگری و رفتارهای مثبت یک رابطه معنی‌دار منفی وجود داشت که با ماهیت این گونه رفتارها هماهنگی دارد.

به دلیل محدودیت زمان، امکان توضیح هدف‌های پژوهش برای رانندگان میسر نبود و مشارکت کنندگان نمی‌دانستند که سازه مورد سنجش، یک ویژگی منفی یعنی پرخاشگری است. بنابراین رضایت آگاهانه که از ضرورت‌های اخلاق پژوهش است (عریضی و فراهانی، ۱۳۸۷)، تا اندازه‌ای اجرا نگردید که با دادن شماره تماس به آزمودنی‌ها برای به‌دست آوردن اطلاعات بیشتر، این محدودیت تا اندازه‌ای از میان برداشته شد.

بنابراین سطوح پرخاشگری نظریه کارن هورنای (بدخواهانه، قدرت خواهانه و مخاطره‌جویانه) با رفتارهای منفی رانندگی (خطاها و تخلفات)، رابطه مثبت و با رفتارهای مثبت رابطه منفی و معنی‌دار دارند. هم‌چنین می‌توان شمار سوانح رانندگی را بر پایه سه گونه پرخاشگری و با توجه به عامل جنسیت پیش‌بینی کرد.

سپاسگزاری

از رانندگان و دانشجویان کارشناسی روانشناسی (خانم‌ها شادی درخشان و شبنم جوانمرد) که در اجرای پژوهش همکاری نمودند، قدردانی می‌شود.

منابع

- پروین، لارنس (۱۳۸۱). *شخصیت (نظریه و پژوهش)*. ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: انتشارات آریز.
- پاک‌گوهر، علیرضا (۱۳۸۶). نقش تیزرهای ترافیکی در آموزش، ترویج و ارتقای فرهنگ اجتماعی با نگرش موضوعی به فرهنگ ترافیک. *مجله علمی-تخصصی راهور*، ۱۸، ۲۳-۲۹.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی آلن (۱۳۸۵). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- عریضی، حمیدرضا؛ حقایق، سیدعباس (۱۳۸۶). پایایی سنجی و تحلیل عوامل پرسش‌نامه رفتار رانندگی منجستر. *فروستاده شده برای چاپ به مجله علمی-پژوهشی پایش*.
- عریضی، حمیدرضا؛ فراهانی، حجت‌ا... (۱۳۸۷). *روش‌های کاربردی پژوهش در روانشناسی بالینی و مشاوره*. اصفهان: انتشارات دانژه.
- ماسن، پاول هنری؛ کیگان، جروم؛ هوستون، آلتا کارول؛ کانجر، جان‌جین (۱۳۸۲). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: انتشارات ماد.
- محمدی، نور... (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی شاخص‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه پرخاشگری باس-پری. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۴۹، ۱۵۱-۱۳۶.
- Bianchi, A., & Summala, H. (2004). The "genetics" of driving behavior, parent's driving style predicts children driving